

در آستانه سالگرد آزادسازی خرمشهر

## قصه غافلگیرکننده‌ترین سرود جنگ چه بود؟

یکی از متفاوت ترین سرودها و آثار موسیقایی مرتبط با موسیقی انقلاب و دفاع مقدس که همچنان از آن به عنوان ماندگارترین اثر موسیقایی این ژانر یاد می‌شود، در آستانه فتح خرمشهر خلق شد.



مقدس در کتاب خاطرات شفاهی اش با عنوان «بانگ آزادی» با تحقیق مهدی چیت سازو مرتضی قاضی و تدوین محسن صفایی فرد توسط دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی پیش روی خوانندگان قرار گرفته است.

این آهنگساز در بخشی از این کتاب که با کلید واژه «غافلگیرکننده ترین سرود جنگ» به نگارش آمده، درباره فتح خرمشهر نوشته است: تقریباً اوایل اردیبهشت سال ۱۳۶۱ که یک روز من و آقای سبزواری را دعوت کردند و گفتند باید سرود بسازید، چون ما در آستانه بزرگ‌ترین پیروزی نیروی نظامی ایران هستیم. اصلاً باید در شهر این اثر، از همه نیروها اسم برده شود، پرسیدیم این اتفاق در کدام جبهه و کجاست؟ گفتند ما چیز بیشتری نمی‌دانیم. به ما این جوری گفته‌اند که باید سرود خاصی بسازید که در تاریخ بماند. اگر این پیروزی این شاه‌الله اتفاق بیفتدف سرود شما هم جزو تاریخ می‌شود. حتی در جبهه‌ها هم رزمندگان نمی‌دانستند که قرار است عملیاتی در کار باشد. ما نمی‌دانستیم در جبهه چه می‌گذرد و هیچکس هم چیزی نمی‌گفت. اصلاً هیچ بحثی راجع به خرمشهرنبود؛ فقط تا این اندازه می‌گفتند که تبادل آتش بین سپاه ایران و ارتش عراق در جبه جنوب ادامه دارد. عملیات کاملاً محرمانه و مخفی بود.»

**گفتند نمی‌شود، نمی‌توانیم بگوییم!**

راغب در ادامه چنین روایت کرده است: «کاملاً ناگهانی به فرماندهان گفته شد و نیروها هم از مناطق خاصی، یک باره حمله کردند و ۱۹ هزار نفر اسیر گرفتند. یعنی این قدروسعت حمله ایران زیاد بود که حتی نتوانسته بودند فرار کنند. حتی ماشین روشن را جا گذاشته بودند که فرار کنند، ولی نتوانسته بودند و اسیر شده بودند. تلویزیون اسرای عراقی را نشان می‌داد؛ از سرتپ و درجه دار گرفته تا افسر جزء. اصلاً ایران اکثر اسرای جنگ را در همین

زمان خیلی زود گذشت، خیلی؛ انگار همین دیروز بود که موتورسوارهای پایتخت روزنامه را بالای دستشان گرفته بودند و با تپتر خیلی درشت «خرمشهرآزاد شد» تمام تلاش‌شان را می‌کردند که در خیابان‌های شهر خودنمایی کنند. این خودنمایی جذاب و با شکوه ادامه داشت و تا زیر پل سیدخندان تهران، آن هتل زیر پل که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و ایام جنگ در اختیار هم وطنان جنگ زده از خوزستان عزیز، از خرمشهر زیبا قرار گرفته بود، برسانند تا شکوه پیروزی را به آنها تبریک بگویند. تبریک برای فتح غیورمردانه یک شهر که جهانی شد. شهری که خرمنی اش عطراگین شد به خون پاک رزمندگان که از ارتش و سپاه در کنار مردمان نازنینش خرمشهر را تبدیل به یکی از مهم‌ترین شهرهای جهان کردند.

و این روزها فتح خرمشهر چهل ساله می‌شود؛ چهل سال گذشت؛ چهل سال از ۵۷۶ روز زیر توپ و تانک بودن و خلق یک حماسه به معنا و مفهوم مطلق کلمه گذشت. گرچه آن دوران ما و نسل ما طفلی بیش نبودیم که عملیات «بیت المقدس» مقدمه خلق حماسه پیروزی شد. گرچه هنوز قصه‌ها و داستان‌ها و ناگفته‌های فراوانی از این مقطع تاریخی فوق ماندگار باقی مانده که بخوایم آنها را بفهمیم. اما همین چهل سال فراموش نشدن به ما نشان داده که قصه فتح خرمشهر انقدر ظرفیت دارد که بازم بتوانیم با نگاهی متفاوت‌تر، تازه‌تر و جذاب‌تر از این واقعه ماندنی حرف بزنیم، حالا فرقی نمی‌کند این حرف زدن با موسیقی باشد یا نمایش، با سینما باشد یا ادبیات، با هنرهای تجسمی باشد یا رسانه مهم این است که تازه است، خیلی تازه‌تر از قبل؛ انگار در نگاه استعاری اش مانند آنچه در کرپلا و حضرت سیدالشهدا گذشت، قصدی برای فراموش شدن از نگاه تاریخی ما ایرانی‌ها ندارد، فرقی هم ندارد در خاطرمنان چگونه ثبت شده؛ مهم فراموش نشدن است که در قابلی سحرانگیز و الهی این چنین باقی مانده و حداقل در روزهای منتهی به سوم خرداد پادمان می‌اندازد که روزی روزگاری در ایران، در خرمشهر عزیز چه اتفاقی افتاد که حماسه اش مزین شد به روز مقاومت، ایثار و پیروزی در تقویم رسمی کشور.

در این چهل سال برای اینکه بدانیم و آگاه باشیم چرا خرمشهر ماند و می‌ماند، تا آنجا که در توان اهلسن بود، کتاب و روایت و فیلم و موسیقی ساخته شد تا ببینیم، بخوانیم و بشنویم و مقاومتی که یادگاری مهمی برای ماست و چه زیباست زمانی که فرصتش پیداشد سری بزنیم به کوچه پس کوچه‌های شهری که در کنار رزمندگانش، هنرمندان هم روایت‌های جذابی از فتحش دارند، پیروزی که این بار بهتر است دنبال روایت‌های کمتر خوانده شده و دیده شده‌ای از آنها باشیم که می‌تواند ابعاد متفاوت‌تری از آن را برپایمان نمایان کند. نمایشی که حتی اگر به قصه‌های تکراری اش هم رجوع کنیم همچنان شیرین و جذاب و ماندنی اند. کما اینکه یک بار هم در جایی گفته بودم چون خرمشهر موسیقی دارد، پس از این قصه‌ها می‌توانند یادگاری‌های جذابی برای تک تک ما آدم‌ها باشند. اصلاً هم فرقی نمی‌کند که در چه گرایش و اندیشه سیاسی فرو رفته‌ایم. مهم ماندگاری یادگاری است که ماند و می‌ماند و خواهد ماند.

**«بانگ آزادی» و یک دنیا خاطره شنیده شده از موسیقی انقلاب**

در لایه لای انبوه خاطرات و موسیقی‌های ماندگاری که هست و اتفاقاً هم درباره آنها نوشته‌ها و روایت‌های زیادی موجود است، قصه اهالی موسیقی به ویژه آنهایی که به دور از هیاهوهای رسانه‌ای سرمنشا خدمات ارزشمندی در حوزه موسیقی انقلاب و دفاع مقدس بودند، می‌تواند دیربرگیرنده قصه‌های متفاوت و کمتر شنیده شده‌ای باشد که برخی از آدم‌های دغدغه مند تلاش کردند با تدوین و گردآوری آنها سهمی برای متفاوت نگاه کردن داشته باشند، یکی از از همین آدم‌ها احمدعلی راغب آهنگساز و نوازنده پیشکسوت موسیقی کشورمان بود که در زمان حیات پربارش سهم بسیار زیادی در حوزه موسیقی انقلاب بود که برخی از روایت‌ها و قصه‌هایش از موسیقی انقلاب و دفاع

### سهم ۷۵۰ میلیارد ریالی بخش گردشگری استان کهگیلویه وبویراحمد از اعتبارات تبصره ۱۸



تبصره ۱۸ مبلغ ۱۱۳ میلیارد تومان اعتبار برای آن در نظر گرفته شده و تا پایان هفته قرارداد انعقاد می‌شود پروژه‌ای که ۹۲ درصد پیشرفت فیزیکی دارد و می‌بایست ظرف دو تا سه ماه آینده به سرانجام برسد.

طالی‌پور به جاذبه های شهر سی سخت و اقداماتی که در آن انجام می‌شود اشاره کرد و گفت در سی‌سخت جاده دسترسی بندان به کوه گل شرایط سختی داشت و امکان سقوط خود در آن بود که حدود ۳.۵ میلیارد تومان به جاده کوه گل تخصیص یافت و سه میلیون تومان دیگر نیز مد نظر قرار گرفت.

**جشنواره ملی «کوچ عشایر» در یاسوج برگزار می‌شود**

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کهگیلویه و بویراحمد گفت: جشنواره ملی «کوچ عشایر» از ۳۰ خرداد تا سوم تیر ماه در یاسوج برگزار می‌شود.

سعید طالبی پور عصر سه شنبه در نشست با خبرنگاران، افزود: جشنواره ملی کوچ عشایر با دعوت از تمام استان‌های کشور به میزبانی شهر یاسوج به مدت سه روز از ۳۰ خرداد برگزار خواهد شد.

طالبی پور با بیان اینکه طرح جامع گردشگری استان نیز در دست اقدام بوده و تا دو ماه آینده نهایی می‌شود، ابراز داشت: کارهای مناسبی در زیرساخت‌های گردشگری استان شکل گرفته، اما هنوز جای کار دارد.

طالبی پور با اشاره به ظرفیت اکوتوریسم استان، عنوان داشت: برخی از روستا توانسته‌اند از این پتانسیل برای ایجاد درآمد و اشتغال استفاده کنند و توسعه این مهم ضرورت دارد.

مدیرکل میراث فرهنگی استان با تاکید بر اینکه سیاست دولت حمایت از اشتغال روستایی است، ابراز داشت: کارگاه‌های تولیدی صنایع دستی استان نیز حمایت می‌شود.

وی از حمایت جامعه هدف و رشد زیرساخت‌ها خبر دهد و عنوان کرد: صدور ۳۳۲ موافقت اصولی طرح انجام و ۱۸ مورد مجوز احداث در بخش‌های مختلف صادر شد.

مدیرکل میراث فرهنگی استان از تخصیص ۴۸ میلیارد ریال برای مرمت و احیای بلادکسمیری نیز ظرفیت‌های مناسبی داريم.

طالبی پور گفت: بعضی‌ها تحت عنوان ساخت اردوگاه‌های گردشگری نسبت به تملک اراضی ملی اقدام می‌کردند که لیست این موارد در اختیار امور اراضی استان قرار گرفت.

مدیرکل میراث فرهنگی استان با اشاره به ظرفیت‌های استان، تصریح کرد: کشور ما به دلیل پتانسیل‌های بالای گردشگری، از جمله ده کشور برتر جهان در این محور است، وی با بیان اینکه گردشگری می‌تواند در کنار صنایع بزرگ خروجی مناسبی داشته باشد، اظهار داشت: کهگیلویه و بویراحمد کلکسیون پتانسیل‌های طبیعی است.

طالبی پور گردشگری زمستانی را یک ظرفیت مناسب دانست و ابراز داشت: باید از پتانسیل پست اسکی کاکان به شکل مطلوبی استفاده شود و در مناطق گرمسیری نیز ظرفیت‌های مناسبی داریم.

طالبی پور با بیان اینکه موزه یاسوج در شأن ظرفیت‌ها و پتانسیل استان نبود، اظهار کرد: موزه جدید یاسوج به بهره برداری رسیده و تا سه ماه آینده فاز تکمیل آن به بهره برداری می‌رسد.

### فرهنگ و هنر

**در تماس تلفنی با آقای سبزواری چه گذشت؟**

آهنگساز نواهای ماندگار انقلابی در ادامه روایت خود در دیدار با مرحوم سبزواری نیز چنین آورده است: «آن لحظه با خواندن آن اشعار گفتمم آقای سبزواری، می‌خواهید من یک تم موسیقایی به شما بدهم و شما شعرتان بر مبنای آن بسرایید و ادامه بدهید؟ ایشان گفتند خب بگو، ببینیم چه می‌شود. من همان جا ملودی ترجیح بند ابتدای سرود خجسته باد این پیروزی را با همین کلام برای ایشان خواندم و پرسیدم شما می‌توانید بر این مبنا ادامه بدهید؟ ایشان گفتند حالا اگر کمی هم تغییر کرد که عیبی ندارد. شما داستان باز است که آهنگ را تغییر بدهید. گفتم بسیار خوب، شما شروعاتن این شکلی باشد.

دوبار دیگر، همین کلام خجسته باید این پیروزی را با آهنگ فعلی برای ایشان خواندم. سبزواری همیشه ضبط کوچکی در جیبش بود. صدای مرا ضبط کرد. همان شب ساعت یک دو نیمه شب به خانه‌ام زنگ زد و گفت این شعر را بنویس. تلفنی شعر سرود خجسته باد فعلی را گفت و من هم نوشتم. من فقط همان تم اولی که به ایشان داده بودم، در خاطرم بود و دیگر ادامه نداده و چیزی نساخته بودم. دقیقاً با کمک همان تم، این پیروزی خجسته باد را ساختم و فکر می‌کنم ساعت ۹ و ۱۰ صبح بود که ساختن این ملودی تمام شد. آن شب تا صبح نخوابیدم. الان که فکر می‌کنم، نمی‌دانم چه طور این خلق می‌شد و از کجا به ذهنم می‌آمد.»

**حتی در این سرود، اسمی از خرمشهر نیامده است؛ ولی…**

خلاصه وقتی که آقای سبزواری گفت ملودی خوب است، گفتمم حالا بیااید برویم برای شخص مهم بخوانیم. همان موقع آقایان معلم و شاهرخی با تهیه کننده ها جلسه گذاشته بودند. وقتی جلسه تمام شد، پیش شان رفتیم و به همان شکل برایشان خواندم. آقای سبزواری هم کنار دستم بودند. گفتند بله، بسیار تاثیرگذار است و اگر خوب ضبط شود، بیرون جم جا می‌افتد. به طرز عجیبی روان است. اگر مردم دو بار بشنوند، حتماً زمزمه‌اش می‌کنند. مخصوصاً قسمت خجسته باد این پیروزی خیلی مهم است و زود یاد می‌گیرند. سرانجام ما این نت و شعر را به دست مرحوم مجتبی میرزاده دادیم، البته من به او چیزی درباره نحوه سفارش گرفتن نگفتم؛ فقط گفتمم همین طوری به ما الهام شده است که شاید پیروزی در راه باشد. این همه پیروزی داریم و این هم شاید یکی از آنها باشد. البته واقعاً خود من هم نمی‌دانستم که این سرود برای کدام پیروزی و کدام جبهه و شهر است. حتی در این سرود، اسمی از خرمشهر نیامده است. ایشان هم کار را قشنگ تنظیم کرد. تنظیم ایشان مارش گونه و با ملودی «بیات ترک» که زمینه‌اش تغزلی و آوازی است انجام شد. نوعی مارش در موسیقی بیات ترک ساخته بودم که تا آن زمان سابقه نداشت.

این هنرمند فقط موسیقی کنموبرمان درباره نحوه انتخاب محمد گلریز برای خوانندگی این قطعه گفته است: «دوشب بعد از تنظیم اثر، به گلریز زنگ زدم و گفتم محمد، بلند شو بیا خانه‌ام. می‌خواهیم سرودی را تمرین کنیم. او هم سریع آمد و سرود را برایش خواندم. ملودی را به او یاد دادم. متن شعر را هم با دستخط خودش از روی شعر اصلی نوشت و رفت. یادم هست که ما بعدازظهر روز بعد، ارکستر این سرود را ضبط کردیم و یک روز بعد آقای گلریز آن را خواند. برای قسمت گرش هم از خود بچه‌های نوازنده در رادیو کمک گرفتیم و از گروه کُر دعوت نکردیم.

این اثر همین طور ضبط شده باقی ماند. به گمانم ۲۹ یا ۳۰ اردیبهشت بود که تحویلش دادیم و دیگر نفهمیدیم چه شد. با خودم می‌گفتمم چرا پخش نشد؟ به نتیجه‌ای نمی‌رسیدم و خودم را قانع می‌کردم که خُب به موقع خودش پخش خواهد شد. به همین منوال گذشت تا روز سوم خرداد. صبح زود، گوینده خبر بیانیه داد و گفت: «شوندگان عزیز توجه فرمایید؛ خونین آن را خواند. برای قسمت گرش هم از خود بچه‌های نوازنده در رادیو کمک گرفتیم و از گروه کُر دعوت نکردیم.

این اثر همین طور ضبط شده باقی ماند. به گمانم ۲۹ یا ۳۰ اردیبهشت بود که تحویلش دادیم و دیگر نفهمیدیم چه شد. با خودم می‌گفتمم چرا پخش نشد؟ به نتیجه‌ای نمی‌رسیدم و خودم را قانع می‌کردم که خُب به موقع خودش پخش خواهد شد. به همین منوال گذشت تا روز سوم خرداد. صبح زود، گوینده خبر بیانیه داد و گفت: «شوندگان عزیز توجه فرمایید؛ خونین آن را خواند. برای قسمت گرش هم از خود بچه‌های نوازنده در رادیو کمک گرفتیم و از گروه کُر دعوت نکردیم.

### وتجلیس آهنگساز یونانی برنده اسکار درگذشت

حضور در مراسم خودداری کرد و در مصاحبه با یک روزنامه‌نگار انگلیسی گفت: آنها فشار زیادی به من آوردند تا برای حضور در اسکار به آمریکا بروم، اما دوست ندارم با فشار کاری انجام دهم و از رقابت هم بیزارم. کسب اسکار برای «ارابه‌های آتش» بلافاصله وی را مورد توجه کارگردان‌های آمریکایی قرار داد و ردیلی اسکات وی را برای ساخت موسیقی فیلم علمی-تخیلی «بلید رانر» استخدام کرد و کوستا گاوراوس او را برای درامی با بازی جک لمون در سال ۱۹۸۲ با نام «گمشده» به کار گرفت که هر دو فیلم نامزد جوایز بفتا شدند. وتجلیس سازنده موسیقی فیلم‌های (۱۴۹۲: فتح بهشت» ردیلی اسکات در سال ۱۹۹۲، «اسکندر «البور استون در سال ۲۰۰۴ و «ماه تلخ «رومن پولانسکی در سال ۱۹۹۲ هم بود.

اوانگلوس اودیسیاس پاپاتاناسیو با نام هنری وتجلیس مارس ۱۹۴۳ در شهر ولس یونان به دنیا آمده بود و در آن بزرگ شده بود. وی از سال ۱۹۶۳ با تشکیل یک گروه راک به ساخت موسیقی پاپ پرداخت و سال ۱۹۶۸ مهاجرت به پاریس با تشکیل یک گروه کوارتت پراگرسویو راک او مهاجران یونانی از جمله دمیس روسس کارش را ادامه داد. پس از انحلال این گروه وی به ساخت کارهای انفرادی و موسیقی فیلم تمرکز کرد و سال ۱۹۷۵ پس از نقل مکان به لندن کارش را توسعه داد و ۴ آلبوم در دهه ۱۹۸۰ منتشر کرد که یکی از آنها عنوان ۵ مورد برتر بریتانیا را از آن خود کرد.

این موسیقیدان بسیار گوشه‌گیر بود و مصاحبه‌های کمی در طول زندگی اش انجام داده است؛ با این حال در مصاحبه‌ای در دهه ۱۹۸۰ وی گفته بود: مردم می‌گویند سینتی سایزر یک ماشین است که یک صدای طبیعی. همه چیز موسیقی است. سازهای معمولی اکوستیک فوق العاده مستند اما محدوداند و همیشه صدای یکسانی ایجاد می‌کنند اما ساز الکترونیکی طیف وسیعی از صداها را با تغییرات بی‌پایان ایجاد می‌کند.

هر چند قبل از به شهرت رسیدن وتجلیس موسیقی الکترونیک وجود داشت اما موفقیت عظیم «ارابه‌های آتش» و «بلید رانر» تضمینی برای آینده چنین آهنگسازی در صنعت فیلم و تلویزیون شد.

وتجلیس با رویح بی‌قربانش برای نتانز یونانی و پاله لندن و فیلم‌های مستند طبیعت و رویدادهای ورزشی نیز موسیقی ساخته بود.

وی سازنده موسیقی مراسم خاکسپاری استیون هاوکینگ در سال ۲۰۱۸ بود و تولید موسیقی اختتامیه المپیک سیدنی ۲۰۰۰ و سرود رسمی جام جهانی فوتبال ۲۰۰۲ را نیز برعهده داشت. آخرین آلبوم استودیویی او با نام «جونو به مشتری» سال ۲۰۲۱ ساخته شد که از کاوشگر فضایی جونو ناسا الهام گرفته بود.

### عثمان محمدپرست در گذشت

عثمان محمدپرست دوتار نواز شهیر امروز درگذشت.

شمس‌الله پونه برادرزاده و شاگرد استاد در گفت‌وگو با ایسنا با تایید خبر درگذشت عثمان محمدپرست عنوان کرد: حال ایشان از دو شب پیش رو به وخامت گذاشت و در بیمارساتن خواب بستری شدند.

وی ادامه داد: صبح پنجشنبه ایشان در همین بیمارستان فوت کردند. عثمان محمدپرست در سال ۱۳۰۷ زاده شد. او از کودکی با دوتار مأنوس بوده است. این دوتار نواز شهیر در کارهای خیریه و مدرسه‌سازی فعالیت بسیاری داشت و در این زمینه نشان سفیر مدرسه‌ساز از سوی رییس جامعه خیرین مدرسه‌ساز کشور به عثمان محمدپرست اهدا شد. نخستین کاشی ماندگار خراسان رضوی نیز در راستای حفظ میراث فرهنگی خراسان رضوی سردر منزل عثمان محمدپرست نصب شد.

عثمان محمدپرست در خاطراتش گفته است که پدرش مخالف تار زدن او بوده و مردم هم در آن دوران به چنین جوان اهل موسیقی مطرب می‌گفتند و از زرده خاطرش می‌کردند؛ اما عثمان از آن‌ها ناراحتی‌ای به دل ندارد و آن توهین‌ها را به حساب فضای فرهنگی آن زمان می‌گذارد.

برای ساز زدنش استادی ندانسته: صدای ساز را شنیده و ابزارش را در دست دیگران دیده و به آن علاقه‌مند شده و شروع به ساز زدن کرد؛ به گفته خودش ساز زدن را از خدا یاد گرفت و لطف خدا بوده است.

پدر عثمان مخالف جتی با ساز زدن او داشته و به همسرش گفته که این پسر غربتی است و او را به خانه راه ندهد؛ اما در روزی که صدای موسیقی عثمان که در وصف پیامبر اسلام(ص) آواز می‌خوانده را می‌شنود، نطرش تغییر می‌کند. عثمان با بغض و دلنگنی برای پدرش گفت: در یکی از روزها در حال ساز زدن بودم که ناگهان پدرم درب اتاق را باز کرد. ناگهان از جا پریدم، از زمان بچه‌ها از پدرهایشان حساب بیشتری می‌بردند و مثل الان نبود. پدرم وقتی ترس من را دید گفت تنرتس تنرتس من اطلاع ندانستم که تو چنین پسری هستی که درباره بیغمبر آواز می‌خوانی، هر چه تا الان خرج کرده‌ای حالات و از این پس هم هرچه دارم را خرج موسیقت ات کن. از نظر استاد محمد پرست، تمام دوتار ذکر خدا است و مدام از خدا یاد می‌شود.



عثمان محمدپرست در مراسم خاکسپاری استیون هاوکینگ در سال ۲۰۱۸

عثمان محمدپرست در مراسم خاکسپاری استیون هاوکینگ در سال ۲۰۱۸

عثمان محمدپرست در مراسم خاکسپاری استیون هاوکینگ در سال ۲۰۱۸